



استعلامات قضایی و نظریات مشورتی اداره حقوقی

سؤال: هیأت وزیران در جلسه مورخ ۷۶/۴/۱۵ که در شماره ۱۵۲۵۶ مورخ ۷۶/۴/۲۸ روزنامه رسمی کشور منتشر گردیده موضوع تبصره ۲ الحاقی به بند الف ماده ۱ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معینه مصوب ۱۳۷۶ را تصویب نمود که تعرفه ثبت اسناد رسمی موضوع تبصره یاد شده از تاریخ ۷۶/۵/۱ تعیین گردیده است، با عنایت به این که در ماده ۲ قانون مدنی صریحاً به قوانین اشاره شده آیا تصویب نامه‌ها منجمله تصویب نامه فوق‌الذکر مشمول مقررات ماده ۲ قانون مدنی می‌باشد یا خیر؟ به این معنی که تصویب نامه مذکور از تاریخ ۷۶/۵/۱ قابل اجرا می‌باشد یا از تاریخ ابلاغ آن به دفاتر اسناد رسمی مربوطه مستدعی است دستور فرمائید نظریه مشورتی آن اداره را به این دفتر اعلام فرمایند.

جواب: بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت به عنوان قانون خاص ناظر بر تمامی جرائمی است که مجازات آن کمتر از ۹۱ روز تعیین گردیده است و در همان حال ناظر است بر تمام مجازات‌های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی، تبصره ذیل ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات مصوب سال ۷۵ ضمن آن که استثنای به اصل می‌باشد موید حاکمیت قانون وصول برخی از درآمدهای دولت نیز هست. ضمناً در سایه مواد قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مقررات ماده ۳ قابلیت اجرا داشته و تناقض در اجرای مواد یاد موجود نیست.

شماره نظریه: ۷/۵۷۵۶
کلاس پرونده: ۷۶/۱۱۸۹/۶۴/۱
لزوم درج آیین نامه‌ها و تصویب نامه‌ها در روزنامه رسمی

نظریه های مشورتی اداره حقوقی
شماره نظریه: ۷/۵۸۶۸
کلاس پرونده: ۷۶/۱۶۸/۱۱۹۳
تبصره ذیل ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات ناسخ قانون وصول برخی درآمدهای دولت نیست.

سؤال: تبصره ذیل ماده ۷۱۸، م.م.مصوب تیرماه ۷۵ مقرر داشته است که اعمال مجازات موضوع مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ این قانون از شمول بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۷۳/۱۲/۲۸ مستثنی می‌باشد. آیا تبصره یاد شده موادی از قانون مجازات اسلامی را که در آن مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز را پیش نموده نسخ کرده است یا اختصاصاً وارد بر مواد ۷۱۴ و ۷۱۰ بوده و ناسخ سایر مواد آن قانون نیست؟
نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

جواب: اگر چه در مواد ۲ و ۳ قانون مدنی فقط به لزوم انتشار قوانین اشاره شده است و از آیین نامه و تصویب نامه ذکری به میان نیامده است، لیکن:

از آنجا که آیین نامه ها و تصویب نامه هایی که به دستور قانون تنظیم می شوند متمم و مکمل قانون به حساب می آیند و در صورتی که دارای جنبه عمومی باشند، می توانند خود قانون انتشار یابند. از آنجا که تصویب نامه ها و آیین نامه ها بر وجه فائده حق و تکلیف و یا به وضع مجرم و حرمانت میسر می نمایند، در همان حال مستلزم منافع و محدودیت ها و تکالیفی برای مردم می باشند و تصویب نامه را جمع به تاریخ لازم الاجرا شدن مصوبات هیأت وزیران در موضوع اصول ۱۲۸ قانون اساسی، مصوب ۱۴/۱۲/۶۶ لازم الاجرا شدن آنها را ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی اعلام کرده است.

از جهت حفظ حقوق آحاد ملت و ضرورت آگاهی آنان از قواعد موجد حق و موجب تکلیف لازم است که به ملاک مواد ۲ و ۳ قانون مدنی و نیز تبصره ۲ مصوبه مورخ ۶۶/۲/۲۴ هیأت وزیران در خصوص تاریخ لازم الاجرا شدن مصوبات هیأت وزیران، آیین نامه ها و تصویب نامه ها نیز در روزنامه رسمی درج گردد.

شماره نظریه: ۷/۶۳۳۲۴ / ۷۶/۱۲/۳
کلاس پرونده: ۷۶/۲۳۹/۱۲۶۹

پروانه کسب جزء ماترک است
سؤال: آیا پروانه کسب دارندگان مشاغل نانوائی موضوع ماده ۵ قانون نظام صنفی قابل واگذاری بوده و در صورت فوت دارنده امتیاز

در زمره ماترک متوفی می باشد یا این که استفاده از آن قائم به شخص بوده و قابل واگذاری و انتقال قهری نیست؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

جواب: ماده ۲۸ قانون نظام صنفی پس از فوت صاحب پروانه قابل اعمال است و ورثه

در مورد ماده یاد شده می توانند ظرف مهلت مقرر در تصویب نامه اخذ پروانه جدید و برای همان

سؤال: با توجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

شماره نظریه: ۷/۸۲۲۳ / ۷۶/۱۲/۲۲
کلاس پرونده: ۷۶/۱۴۲/۱۶۸

سؤال: با توجه به این که آرای صادره از سوی دادگاههای عمومی و انقلاب پرونده های

قضایی در خصوص تخلفات قضایی و قضات

شماره نظریه: ۷/۳۳۲۶ / ۷۶/۱۱/۲۴
کلاس پرونده: ۷۶/۵۲/۶۷۵

جواب: دادگاهی که هنگام وقوع جرم صلاحیت رسیدگی داشته است در وضع تغییر عنوان یا موقعیت برای رسیدگی به پرونده مطروحه پیشین صلاحیت رسیدگی دارد.

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

شماره نظریه: ۷/۸۶۵۱ / ۷۶/۱/۲۴
کلاس پرونده: ۷۵/۱۶۸/۹۳۶

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

است، آیا مهلت معینی برای پذیرش اعتراض وجود دارد یا خیر؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

جواب: نظر به این که طبق ماده ۳۵ اصلاحی مصوبه مورخ ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع

تشخیص مصلحت نظام، ... اجرای کلیه قوانین مغایر، متوقف ... شده است و نظر به این که، آن چه در مصوبه مزبور مسکوت

نموده، (از قبیل مواعد تجدیدنظر خواهی و اعتراض، مقرر در قوانین آیین دادرسی) مغایر

مصوبه نیست تا متوقف یا متسرخ به حساب

آیین نامه اجرایی آن می باشد، اولاً - مواردی که مشمول ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب است و در ماده ۳۲ مصوبه

مزبور به آن اشاره شده است، مقید به زمان نیست. ثانیاً - در موارد شمول ماده ۱۹ قانون

مذکور، مهلت تجدیدنظر خواهی، بنا به مورد، همان بیست روز و دو ماه مقرر در ماده ۲۷

قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب است.

شماره نظریه: ۷/۸۶۵۱ / ۷۶/۱/۲۴
کلاس پرونده: ۷۵/۱۶۸/۹۳۶

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

سؤال: باتوجه به این که آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی، وفق مواد ۱۸ و ۳۲ قانون و آیین نامه اجرایی مربوط به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام از سوی متهمین قابل اعتراض

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است :

جواب: ۱- مقررات ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد صدور قرار اناطه به

دادخواست حقوقی تسلیم نشود، رسیدگی به اصل مالکیت میسر نخواهد بود و بر اساس این ضرورت صدور قرار اناطه از دادگاه عام در موارد لازم صورت پذیر است و در صورت ارجاع دعوی حقوقی به همان دادگاه صادر

شدن پرونده و کسر آن از آمار نیست، بلکه قاضی باید با رسیدگی های لازم حسب مورد در خصوص شکایت مطروحه نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر نماید.

شماره نظریه: ۷/۶۹۵۷ ۷۶/۱۲/۱۴

کلاس پرونده: ۷۶/۱۱۶/۱۳۵۲

فوت شریک در شرکت با مسئولیت محدود سؤال: در صورت فوت یکی از شرکا در شرکت با مسئولیت محدود ماده ۱۱۴ قانون تجارت پیش بینی لازم در ارتباط با انحلال شرکت نموده است. با التفات به مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ قانون تجارت، در صورت عدم اتخاذ تصمیم در جلسه اول با اکثریت نصف سرمایه، آیا در جلسه دوم هر یک از ورثه دارای یک رای مستقل بوده یا مجموعاً دارای یک رای خواهند بود؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح

زیر است:

جواب: باتوجه به مواد ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون تجارت و بنا در نظر گرفتن این امر که سهم الارث هر یک از ورثه و مجموع آن معادل رای مورث است با انتقال قهری سهم الشرکه که به ورثه همان وضعیت مورث در شرکت به ورثه منتقل خواهد شد و در حقیقت جملگی ورثه قائم مقام مورث خود در شرکت خواهند بود و در صورت تحقق قسمت اخیر ماده ۱۰۶ قانون تجارت جملگی آنان هر تعداد که باشند یک نفر و یک شریک در مقابل شرکا دیگر در شرکت خواهند بود.

شماره نظریه: ۷/۸۵۳۸ ۷۶/۱۲/۱۲

کلاس پرونده: ۷۶/۱۸۷/۳/۱۷۳۶

پرداخت طلب پستانکاران از دیه

سؤال: در صورت وجود قروض و دیون

کننده قرار اناطه، رسیدگی به آن در همان دادگاه منعی نخواهد داشت.

شماره نظریه: ۷/۸۲۱۶ ۷۶/۸/۶

کلاس پرونده: ۷۶/۱۶۸/۱۶۴۹

عدم دسترسی به متهم یا شاکی مانع از رسیدگی نیست

سؤال: چنانچه متهمین شناسائی نشوند و یا به آنها دسترسی نباشد آیا می توان پرونده ها را از آمار کسر و از دور رسیدگی خارج نمود و در صورتی که دلایل جدیدی به دست آمد با ثبت مجدد در جریان رسیدگی قرار بگیرند؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر

است:

جواب: عدم شناسایی متهمین و یا عدم دسترسی به شاکی قانوناً موجب بایگانی

فوت خود باقی است و با اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، صدور قرار به عهده دادگاه رسیدگی کننده به موضوع است. چنانچه از ناحیه مشتکی عنه مدارکی ابراز شود که مفید ادعای مالکیت او در اموال غیر منقول باشد، دادگاهی که به امر کیفری رسیدگی می نماید، مکلف است اقدامات تعقیبی را متوقف و مبادرت به صدور قرار اناطه نماید و شاکی را هدایت نماید که با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و با تقدیم دادخواست در مقام طرح دعوی و اثبات مالکیت خود برآید.

۲- نظر به اینکه موافق موازین قانون آیین

دادرسی مدنی برای رسیدگی به امور حقوقی تقدیم دادخواست از طرف ذینفع ضروری است و نحوه رسیدگی به امور حقوقی متفاوت با امور جزایی است لذا مادام که

دادرسی و فراخوان مقالات

ماهنامه دادرسی دست تمامی علاقمندان به همکاری را صمیمانه می‌فشارد و در مسیر فعالیت فرهنگی خود برای ارتقاء سطح آگاهی‌های عمومی جامعه نسبت به مسائل حقوقی و فرهنگی اجتماعی امید به بسیاری تمامی پژوهشگران و صاحب نظران، خصوصاً اساتید معتمد حوزه و دانشگاه، قضات، وکلای تمامی دانش پژوهان گرامی دارد. لذا خواهشمند است در ارسال مطالب خود نام از مقاله، ترجمه، گزارش و غیره موارد زیر توجه فرمایید:

- ۱- مطالب خوانا و حتی الامکان لایب شده و یکت رو باشد.
- ۲- منابع مقالات را بصورت پیوست یا زیر نویس درج نماید.
- ۳- در صورت ترجمه بودن مقاله، نسخه اصلی نیز فرستاده شود.
- ۴- جدول، منحنی ها، نمودارها و اشکال را در حسن‌نظرات جداگانه تهیه کرده و ارسال نمایید.
- ۵- در صورت ارسال گزارش یا خبر، منبع آن نیز حتماً ذکر شود.
- ۶- نام، نشانی و سمت نویسنده یا نویسندگان درج شده، تلفن تماس نیز فرستاده شود.
- ۷- ماهنامه دادرسی پس از تأیید هیات علمی، اقدام به چاپ مقاله نموده و در ویرایش، حکمت و اصلاح مقالات مجاز می‌باشد.

شماره نظریه: ۷/۶۸۸۱ ۷۴/۱۲/۱۳

کلاس پرونده: ۷۴/۵۴/۱۳۳۵

ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر
سؤال: باتوجه به ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر و آیین نامه اجرایی، چنانچه محکومیت به جزای نقدی باشد و محکوم از پرداخت آن امتناع نماید، در صورت شناسایی اموال منقول و یا غیر منقول از وی، آیا می‌توان از آنها بابت جزای نقدی برداشت نمود یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ مرجع فروش اموال منقول و یا غیر منقول مذکور در پرونده یا غیر آن کجاست و تشریفات آن چگونه است؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

جواب: اگر محکوم علیه به پرداخت جزای نقدی موضوع ماده ۳۱ مصوبه مورخ ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، دارای اموال مازاد بر مستثنیات دین بوده و از پرداخت جزای نقدی مقرر در حکم، استنکاف ورزد، قاضی مجری حکم دادگاه، هم می‌تواند وفق ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، نسبت به فروش اموال محکوم علیه بدون رعایت تشریفات مزایده، به میزان جزای نقدی، و نسبت به استیفای آن از حاصل فروش، اقدام نماید و هم می‌تواند طبق ماده ۳۱ فوق الذکر، مشارالیه را بازداشت کند. مقام مجاز برای اصدار دستور فروش اموال مذکور، رئیس شعبه دادگاه انقلاب است که وفق ماده ۲۲ ملحقه به آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با مواد مخدر، اختیارات و وظائف دادستان به وی تفویض شده است.

برای مقتول و قبول ترکه از ناحیه ورثه و یا فقدان ترکه، آیا آنان ملزم به پرداخت بدهی مورث خویش «از محل دیه» می‌باشند یا خیر؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

جواب: دیه قتل، مسألی است که حین القوت به شخص تعلق می‌گیرد و لذا در حکم ترکه میت است و طلب بستانکاران، با رعایت حق تقدم قانونی، از دیه مزبور قابل استیفاست.

شماره نظریه: ۷/۱۶۴۱ ۷۶/۳/۲۵

کلاس پرونده: ۷۰/۷/۱/۲۳۹

شناسائی و معرفی جانشین متوفی کافی است

سؤال: در صورتی که لازم گردد که خواهان ورثه خوانده متوفی را معرفی نماید آیا مکلف است که راساً اقدام به تحصیل گواهی امضای وراثت و امضای ورثه و معرفی آنان بنماید یا شناسائی و معرفی آنان رفع تکلیف قانونی خواهد شد؟

نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است:

جواب: طبق ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی در صورت فوت یکی از اصحاب دعوی دادگاه به طرف دیگر اخطار می‌کند جانشین متوفی را تعیین کند. شناسائی و معرفی جانشین متوفی به دادگاه کفایت و طرف دعوی مکلف به تحصیل گواهی انحصار وراثت نیست.
